**باز «کربلا» و باز «غزه» و باز «جابر» و باز «اربعین» و «نابودیِ صهیونیسم.»**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

«السَّلاَمُ عَلَى أَسِيرِ الْكُرُبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبَرَاتِ‏....وَ مَنَحَ النُّصْحَ‏ وَ بَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلاَلَةِ»

**اربعین و حضور در نهایی‌ترین جهان**

1- این‌که امام عسکری«علیه‌السلام» می‌فرمایند: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ» و یکی از آن‌ها را «زِیَارَةُ الْأَرْبَعِینَ» می‌شمارند به جهت بصیرت و هوشیاری مؤمن است نسبت به جایگاه تاریخی اربعین.

این ما و این‌همه جهانِ گشوده اربعینی، آن هم در تاریخی که انسان‌ها با گرفتاری در فرهنگ مدرنیته تنها در خانه تاریک خودشان به‌سر می‌برند، حتی وقتی با وسایل سریع دنیای جدید هرجا که می‌خواهند می‌توانند باشند. ولی عجیب است با این‌که همه جهان بر خط است، هرچه بیشتر در تنهاییِ تاریک خود در هیچ جایی نیستند. سخن اصلی در تجربه اربعینیِ این سال، این است که اگر تا دیروز معتقد بودیم هرکس در انقلاب اسلامی و در مقابله با استکبار حاضر نیست، در هیچ جایی حاضر نمی‌باشد و عملاً در هیچ جهانی جای ندارد؛ امروز در همان راستا باید عرض شود اگر در این زمانه در دل انقلاب اسلامی، این اربعین را «فهم» نکند، در هیچ جهانی حاضر نیست، زیرا جهان امروزینِ آخرین بشر و بشرِ آخرالزمانی، حضور در نهایی‌ترین جهان است که این یعنی درکِ نهایی‌ترین ایثارِ خدّام و حضور در تاریخِ نهایی‌ترین وجه انسانی بین سیل انسان‌هایی که آمده‌اند یگانگیِ همدیگر را تجربه کنند و بدین لحاظ نباید از از این رخداد ساده عبور کرد.

**اندیشه‌های تازه نسبت به جلوه ابعاد انسانیتِ نهایی**

2- به این باید اندیشید که انسان آخرالزمانی تا آن‌جا می‌تواند از بستر هستی خود که عین اتصال به خالق هستی‌ها است، اندیشه‌های تازه که مطابق روح نهایی‌ترین انسان است می‌آفریند، نه آن‌که به مطالبی بپردازد که باور به آن‌ مطالب آسان باشد ولی در آن مطالب جواب نهایی‌ترین طلب حاضر نباشد و از این جهت عطش حضور ملت‌ها در اربعین معنای خاص خود را دارد، به معنای حضور نهایی در انسانیت.

**معنی حضور اربعینی با نظر به نمادهای انسانیت**

3- باید متوجه بود؛ انسانِ آخرالزمانی، انسانی است که از سیطره اندیشه‌های معمولی که امکان تردید در آن‌ها هست، رهایی یافته تا با اصل‌ترین اصل‌ها روبه‌رو شود که آن انسانیت کامل است، انسانیتی که بالاتر از آن ممکن نیست و این یعنی نظر به اولیای الهی در نمادهایی همچون علی«علیه‌السلام» و سیدالشهداء«علیه‌السلام»، و لازمه چنان حضوری عبور از هر آن چیزی است که در آن توهّمات ساخته ذهن پنهان است، حضوری که مانع می‌شود تا انسان در گرداب نومیدی و انکار فرو غلتد. حضوری که این روزها می‌توان در حرکت اربعینی آن را تجربه کرد و از آن به بعد با آن حضور در همه زندگی به‌سر برد، در عین همراهی با مردم غزه.

**ایران و حضور در نظم جهانِ پیش رو**

4- رخداد اربعینیِ این سال‌ها، پنجره‌ای شده برای آن‌که ما شیعیان، به‌خصوص ما ایرانیان، تا جهان مدرن را درست بفهمیم، جهانی که تا دیروز با نوعی شیفتگی به آن می‌نگریستیم. در حالی‌که امروز متوجه شده‌ایم جهان در وضعیت جدیدِ خود بیرون از ایران نیست و آینده جهان به نقش ایران در بستر انقلاب اسلامی پیوند خورده است و در این راستا و با توجه به این حضور، مردم ما در پیاده‌روی اربعینی حاضر می‌شوند که نوعی آمادگی است برای حضور در نظم جهانی پیش رو. امری که رهبر معظم انقلاب متذکر آن می‌باشند و فرمودند: «دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدّی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدّی هستیم.»

**اربعین و درک حضور تاریخی**

5- با توجه به نکات فوق، اربعين؛ به عنوان «امکان حضور در تاريخي ديگر» موضوعی است که باید در آن برای عزیزان معناي «حضور تاريخي» تبيين شود و متوجه شویم با چه احساسي بايد حضور تاريخي خود را در رخدادي که در صورت اربعین در این سال‌ها ظهور کرده است، دريابیم، که البته اين از مشکل‌ترين قسمت‌های فهم است از آن جهت که بايد ماوراي عقل مدرن به موضوعي نظر کرد که فعلاً در حال تولد است و خود را در طي يک فرآيند مي‌نماياند و بدون آن‌که یک فکر حصولی باشد، در درون جان آدميان سر برمي‌آورد و در قول و فعل‌شان سريان مي‌يابد، مانند آن‌که بدیهیات اولیه‌ انسان را در بر می‌گیرد. از این جهت می‌توان گفت جریان اربعین در این تاریخ، وجهی از فطرت تاریخی ما است که ما را فرا گرفته.

6- باید ابتدا این موضوع روشن شود که آیا آن‌چه در این سال‌ها در سالگرد اربعین حضرت سیدالشهداء«علیه‌السلام»،پیش آمده، یک اتفاق است یا یک ضرورت تاریخی؟ یک عمل عبادی است همانند پیاده رفتن به کربلا در سال‌های گذشته و یا تغییر نگاه به اربعینی است که ظرفیت حضور در تاریخی را دارد که حضرت امام عسکری«علیه‌السلام»، با توصیه به حفظ آن می‌خواهند شیعیان از سیطره‌ حاکمیت متوکل عباسیِ زمانه رهایی یابند؟ به عنوان حضور امروزینِ ما در این تاریخ.

**چرا با پای پیاده؟**

7- در راستای ایفای نقش فعّال در تاریخی که امام حسین«علیه‌السلام»، آن را فتح کردند، امام صادق«علیه‌السلام»، به ما فرموده‌اند: «مَنْ أَتَی الْحُسَینَ«علیه‌السلام» مَاشِیاً کتَبَ اللَّهُ لَهُ بِکلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَیئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ» کسی پیاده به زیارت قبر حسین«علیه‌السلام» برود، خداوند برای هر قدمی هزار حسنه نوشته و هزار گناه از او پاک می کند و رتبه اش هزار درجه بالا می رود. این یعنی در دل آن آغاز، انسان در آغاز دیگری حاضر می‌شود که تفصیل آن اجمال است.آن هم با حضوری چشم‌گیر که با پیاده‌رفتن بهتر پیش می‌‌آید.

**درد مشترک مقابله با دشمنان انسانیت و انس با خدا**

8- اگر از معنای تاریخیِ رخدادی که با اربعین ظهور کرده غفلت نشود، متوجه می‌شویم درد مشترکی است که این جمعیت را وارد این صحنه کرده، مثل درد مشترکی که اصحاب سیدالشهداء«علیه‌السلام» داشتند و متوجه حضور تاریخی خود کنار آن حضرت شدند. این درد مشترک و در کنار امام حسین«علیه‌السلام» قرارداشتن، چیزی است مافوق جلب بهشت و دوری از جهنم. در این‌جا آینه‌ای در مقابل ما قرار گرفته که می‌توان در راستای مقابله با دشمنان انسانیت با خدا مأنوس شد و با تجلیات خاص حضرت حق مرتبط گشت.

**وجدان عمومی یا افکار عمومی؟**

9- حال ماییم و رویاروییِ دو حضور، حضوری که بنا دارد از طریق رسانه‌ها در فرهنگ مدرن، افکار عمومی را به نفع خود مدیریت نماید و انسان را در معنایی که معنای خودبنیادی است؛ تعریف کند. و حضوری که نظر به وجدانِ عمومی انسان‌ها دارد تا ابعاد روحانی و متعالی آنان را متذکر شود و به یگانگیِ انسان‌ها در هر کجا که باشند، نظر دارد به همان معنای حضور افراد با ملیّت‌های مختلف در رخداد اربعینی در روزهایی که ما با آن روبه‌رو هستیم و فهم این نکته یعنی فهم آینده‌ای که در پیش است.

**تولد انسان‌هایی با نظر به کیفیت‌ها**

10- همه‌ آن‌هایی که دغدغه‌ عبور از فرهنگ ظلمانی دوران را دارند و می‌خواهند با عقلی غیر از عقل غربی با سایر انسان‌ها مأنوس شوند، باید به فرهنگ اربعین نظر کنند تا در دل این فرهنگ متوجه‌ تولد انسانی شوند که برای کیفیت‌های عالَم در کنار کمیّت‌ها، نقش قائل است.اربعین نشان داد که در حكمت حسينى، شكست معنى ندارد و پايدارى و بقاء، جزء اصلى اين حكمت است. حتّى در دربار يزيد، آثار زنده ماندن كربلا نمايان شد. حال از آن به بعد در تاريخ ، با نمونه‏اى بسيار متعالى و روشن و پراز رمز و راز؛ يعنى اربعينِ‏ شهداى كربلا روبه‏رو هستيم، کسانی‌که در افق انسان ترازِ انقلاب اسلامی می‌توانند راهنمای آینده‌ ما باشند، و حضور اربعینیِ ما یعنی حضور در کنار مردم مظلوم و مجاهد فلسطین.

11- فراموش نكرده‌ایم كه پس از واقعه عاشورا در كنار آن تبليغاتى كه امام«علیه‌السلام» را به عنوان يك خارجى معرفى كردند، چنان جوّ ارعابى در كشور حاكم نمودند تا كسى جرأت ياد امام حسين«علیه‌السلام» را هم نداشته باشد و از اين طريق براى هميشه سنّت حسين«علیه‌السلام» و سنّت محمّد«صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم» از صحنه‌ خاطره‏ها و سينه‏ها محو شود و يزيديان به راحتى بتوانند خود را تبليغ كنند. در این صورت است که معلوم مى‏شود در چنين شرايطى، احياء اربعين حسين«علیه‌السلام» چقدر كارساز بوده. در واقع با اربعين، همه‌ طمع دشمن خنثى و بى‏نتيجه شد. همچنان‌که در این تاریخ پس از چهارصدسال حاکمیتِ تفکر سکولاریته، شیعیان با به صحنه‌آوردنِ اربعین حیله‌ ستمگران این دوران را نیز خنثی کردند تا إن‌شاءاللّه روح‌ها و روان‌ها در جهان اسلام در تعریف انسان و ابعاد انسانی نگاه دیگری را دنبال کند که این در جای خود امر مهمی است نسبت به امید به آینده.

**معنای حضور میلیونی اربعینیِ این سال‌ها در عین پیاده‌روی**

12- حرکت حضرت سیدالشهداء«علیه‌السلام» یک تذکر بود به همه‌ تاریخ که چگونه از ظلمات زمانه می‌توان خود را رها کرد و امروز مردم در حماسه‌ اربعین ذیل تذکر حضرت سیدالشهداء«علیه‌السلام» به روحی منوّرند که آن‌ها را از ظلمات فرهنگ اُمویِ جهان استکبار رهایی می‌بخشد و این است معنای حماسه‌ میلیونی راهپیمایی اربعین حسینی که شیعه در سال‌های اخیر با هوشیاری و خوش‌سلیقگی، زیارت آن حضرت را که در جای خود بسیار ارزشمند است، همراه با پیاده‌رفتن برای آن زیارت جمع کرده است.

13- دشمنانِ حقیقت حسینی تلاش بسیار کردند تا وفادارى به امام«علیه‌السلام» از بين برود، وگرنه كشتن امام به‏وسيله‌ آن‌همه لشكر كه عمرسعد جمع كرده بود، هنر نيست. آن‏ها مى‏خواستند اين وفادارى كه جابر و امثال او از خود نشان دادند براى هميشه نابود شود، وفادارى عاشقانه‏اى كه كربلاييان را سمبل دين مى‏كند. در واقع عهد حسينىِ جناب جابر با زیارت امام در اربعين حفظ شد و امروز هم من و شما سنّت اربعين را تكرار مى‏كنيم، يعنى اى حسين! شما هميشه معنای حقیقت در همه زمان‌ها حق هستيد و ما بنا داريم ارتباطمان را از طریق شما با حق يگانه كنيم تا وفادارى به حق را هيچ‏گاه در هیچ زمانی از دست ندهيم، و مرور زمان و غوغاى زمانه و تبليغات يزيدیان نتواند ارتباط ما را با شما قطع كند.

هر سال اربعين‌گرفتن آن‏گونه كه امام صادق«علیه‌السلام» در زيارت اربعين به ما آموختند به آن معنا است که با امام حسين«علیه‌السلام» سخن بگوییم و به آینده‌ای نظر کنیم که انسان‌ها در آن آینده معنای انسانیت را «فهم» ‌کنند و امیدوار شکست جبهه ضد انسانی استکبار باشیم در آینه ظلمانی صهیونیسم. و این یعنی باز «کربلا» و باز «غزه» و باز «جابر» و باز «اربعین» و باز «نابودیِ صهیونیسم».

والسلام